

چکیده

مسئله ی سهم بری عوامل تولید یکی از ارکان تعیین کننده ی میزان تأمین عدالت در هر نظام اقتصادی می باشد. یکی از مهمترین عوامل تولید که تمامی نظام های اقتصادی بر وجود آن به عنوان یک عامل اساسی در پروسه ی تولید تأکید دارند، نیروی انسانی می باشد. لذا این مقاله در تلاش است که مدلهایی متناسب با آموزه های اسلامی جهت تعیین دستمزد نیروی کار در بنگاه ارائه نماید. بر این اساس، ابتدا تفاوت دیدگاههای غربی و اسلامی در مورد مسئله سهم بری عوامل تولید در یک بنگاه اقتصادی مطرح شده و سپس مدلهایی جدید جهت تعیین سهم عوامل که با دیدگاه اسلامی سازگارتر هستند، توسعه داده شده اند. به عبارت دیگر در این مدلها سعی شده است که نظر شهید صدر در مورد تعیین دستمزد نیروی انسانی در فرآیند تولید تأمین گردد. این مدلها، علیرغم مدل نئوکلاسیک، روش پرداخت مبتنی بر میانگین بهره‌وری و مشارکت در سود (به جای بهره‌وری حاشیه‌ای) برای تعیین دستمزد را مبنا قرار داده‌اند.

کلیدواژه:

سهم بری عوامل تولید، توزیع کارکردی، نیروی انسانی، کارایی بنگاه اقتصادی، اقتصاد کار

مدلهای تعیین و مدیریت دستمزد نیروی کار در اقتصاد اسلامی و مقایسه آن با مدل نئوکلاسیک

مهرداد آقا محمد علی کرمانی (نویسنده مسئول مکاتبات)
دانشجوی دکتری مهندسی صنایع - دانشگاه
علم و صنعت ایران

دکتر ایرج توتونچیان
استادیار دانشگاه الزهرا

دکتر حمیدرضا نویدی
عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

رمضانعلی مروی
دانشجوی دکتری اقتصاد - دانشگاه باکنی

مقدمه

یکی از مسائل مطرح در اقتصاد بحث میزان سهم‌دهی به عوامل تولید در جریان تولید کالاها و خدمات است. اهمیت این مطلب با در نظر گرفتن اثرات آن بر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر نحوه توزیع ثروت مشخص می‌گردد. در این مقاله عوامل اصلی تولید، مطابق با نظر شهید صدر (اقتصاد ما، 1350، 66)، به سه دسته زمین، سرمایه و نیروی انسانی (کار) تقسیم می‌گردند. هرچند باید توجه داشت که شارع مقدس اسلام، میان کار مفید و اقتصادی و کار زیان بخش و احتکاری تفاوت عمده ای قائل می باشد، تا جایی که کار مفید به خودی خود جنبه تولیدی و اقتصادی داشته و صاحب حصه ای از تولید است، در صورتیکه انتفاع مستقیم کار احتکاری از سود تولید (مصادق امروزی این کار، سفته بازی میباشد) تحت عنوان فقهی زور بررسی و حرام شرعی تلقی می‌گردد. (اقتصاد ما، 1350، 156)

همچنین با توجه به نظر توتونچیان، که نحوه و میزان سهم بری عامل تولیدی زمین از دیدگاه اقتصاد اسلامی و متعارف یکسان میباشد (پول و بانکداری اسلامی، 49)، در این مقاله به بررسی و بیان مدل ریاضی سهم



بری نیروی کار و سرمایه از نقطه نظر دو دیدگاه پرداخته شده است.

از منظر تئورسین های بازار آزاد، دست نامرئی بازار سهم هر یک از عوامل را تعیین مینماید؛ در بازار آزاد مفروض این دسته از اقتصاددانان، بنگاههای تولیدی به دنبال حداکثرسازی سود خود بوده و یکی از مهمترین کانالهای افزایش سود، کاهش هزینه نیروی کار میباشد. بر این اساس، صاحبان بنگاه به هر یک از کارگران به اندازه بهره‌وری حاشیه‌ای^۱ آنها دستمزد می‌دهند. در مدل‌های پیشنهادی این مقاله، دو سناریوی متفاوت^۲ مورد استفاده قرار گرفته است: در سناریوی اول دستمزد برابر با میانگین بهره‌وری^۳ بوده و در سناریوی دوم به کارگر علاوه بر بهره‌وری حاشیه‌ای، سهمی از سود نیز تعلق می‌گیرد. این دو سناریو را میتوان در حوزه اقتصاد اسلامی جای داد زیرا علاوه بر بهبود توزیع درآمد و هماهنگی بیشتر با عدالت اقتصادی، منجر به افزایش تولید بنگاه (در سطح خرد) و افزایش نرخ رشد اقتصاد (در سطح کلان) خواهند شد.^۴

بخشهای بعدی مقاله به این شرح می‌باشند: بخش دوم مقاله به بررسی ادبیات موجود اقتصاد متعارف در مورد نحوه ی تاثیرگذاری اجرت نیروی انسانی بر سود دهی بنگاه اقتصادی پرداخته است. نقاط افتراق دیدگاه سرمایه داری و دیدگاه غنی اسلامی در مورد عوامل تولید (بطور اخص نیروی انسانی) در بخش سوم مورد بحث قرار گرفته است. در بخش چهارم، مدل سهم بری عوامل تولید از دیدگاه سرمایه داری و دو مدل پیشنهادی نگارندگان به صورت مفصلتر و همراه با صورتبندی ریاضی بیان شده، نهایتاً بخش پایانی به جمع بندی و نتیجه گیری مطالب بیان شده پرداخته است.

۱. مرور ادبیات

در این بخش ابتدا مروری اجمالی بر مقالاتی که به بررسی نقش و اثرگذاری نیروی انسانی بر سود و بهره وری بنگاه های اقتصادی پرداخته اند، صورت می گیرد. سپس به اختصار مدل‌های نظری مختلفی که در زمینه ی تعیین سهم نیروی انسانی در واحد تولیدی، در ادبیات اقتصاد غربی مطرح می باشند، واکاوی می گردند. مدل‌های مورد بررسی در این مقاله مشتمل بر مدل پایه نئوکلاسیک و مدل‌هایی است که سعی در مدل کردن تلاش کارگران داشته‌اند. دلیل انتخاب این مدل‌ها این است که نوآوری مدل پیشنهادی نگارندگان با تمرکز بر تلاش کارگران بهتر فهم می شود و مقایسه آن با این مدل‌ها نقاط قوت و ضعف آن را بهتر نمایان می سازد. بر این اساس در انتهای این بخش مدل‌های نئوکلاسیک^۵، دستمزد کارا^۶، استیگلیتز-شاپیرو^۷ و مدل‌های کارگزار-کارفرما^۸ شرح داده می شود.

بسیاری از مقالات موجود در ادبیات (بطور مثال سامرز^۹ و کروگر^{۱۰} در سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۷) به بررسی وجود ارتباط بین درآمد کارگران و تأثیر آن بر سوددهی بنگاه های اقتصادی پرداخته اند. بلنچ فلاور^{۱۱} و همکارانش (۱۹۹۰) با استفاده از داده های مقطعی^{۱۲} و همچنین نیکل^{۱۳} و وادوانی^{۱۴} (۱۹۹۰) با استفاده از داده های پانل^{۱۵}، وجود نشانه هایی مبنی بر وجود رابطه مثبت و مستقیم بین اجرت کارگران و بهره‌وری^{۱۶} بنگاه های اقتصادی انگلستان را اثبات کردند. کریستوفیدس^{۱۷} و اوسوالد^{۱۸} (۱۹۹۲) در مقاله ای و بلنچ فلاور و همکارانش (۱۹۹۶) در مقاله ای دیگر به ترتیب به اثبات این نظریه پرداختند که در کشورهای کانادا و آمریکا افزایش دستمزد کارگر باعث افزایش سود بنگاه های تولیدی می گردد. قابل ذکر است که تحقیقات در این زمینه فقط به کشورهای توسعه یافته